

چگونه توانستم با تنوع بخشی به روش های یاددهی یادگیری، سائقه دانش آموزان به یادگیری فزاینده و اشتیاق تحصیلی درس روان شناسی باشم.

محمدعلی مرادی پور

دبیر جامعه شناسی آموزش و پرورش منطقه میمند فارس و مدرس دانشگاه فرهنگیان شیراز.^۱

چکیده

پژوهش کیفی حاضر با عنوان چگونه توانستم با تنوع بخشی به روش های یاددهی یادگیری، سوق دهنده دانش آموزان به یادگیری فزاینده و اشتیاق تحصیلی درس روان شناسی باشم، انجام شد. جامعه آماری این پژوهش دانش آموزان پایه یازدهم علوم انسانی دوره متوسطه دوم آیت اله طالقانی منطقه میمند فارس در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ می باشند. با مقایسه شواهد ۱ و ۲ در این اقدام پژوهی به این نتیجه رسیدیم که علت اصلی مسئله بی انگیزگی دانش آموزان در کلاس روان شناسی، نحوه تدریس معلم محور، انتقال و تفهیم مطالب درسی به صورت یکنواخت، تاکید بیش از اندازه بر حفظ کردن مطالب و احساس ضعف و کمبود و اعتماد به نفس دانش آموزان است. حال با تنوع بخشی به رویکردهای مختلف یاد دهی یادگیری سعی نمودم فرایند تدریس توسط دانش آموز در قالب یادگیری معکوس، ارائه کنفرانس، پرسش و پاسخ توسط خود دانش آموزان از همدیگر، هر دانش آموز یک مولف یعنی طرح هر دانش آموز یک کتابچه روان شناسی داشته باشد که مطالب آن توسط خود دانش آموز نوشته شده، ساخت روزنامه دیواری از مطالب و محتوای کتاب درسی و نصب آن در تابلوها که عملاً راهرو مدرسه هم تبدیل به محیط یادگیری شده بود و با همراهی معلم و تسهیل گری معلم انجام شدند. نتیجه این اقدام پژوهی، نشان دهنده این است که رشد میانگین در نوبت اول سال ۱۴۰۳-۱۴۰۲ نسبت به سال گذشته در درس روان شناسی ۲ نمره افزایش داشته و رشد درصد هم ۸۰/۵۸ می باشد که این امر بیانگر اثربخشی روش های متنوع یاد دهی یادگیری در یادگیری فزاینده و اشتیاق تحصیلی دانش آموزان به درس روان شناسی می باشد.

واژگان کلیدی: یاددهی یادگیری، یادگیری فزاینده، اشتیاق تحصیلی، روان شناسی، دانش آموزان.

مقدمه:

یکی از اهداف مهم آموزش و پرورش ایجاد زمینه برای رشد همه جانبه فرد و تربیت انسان های سالم، کارآمد و مسئول برای ایفای نقش در زندگی فردی و اجتماعی است. از آن جایی که دانش آموزان به عنوان رکن اساسی نظام آموزشی کشور، در دستیابی به اهداف نظام آموزشی نقش و جایگاه ویژه ای دارند، توجه به این قشر از جامعه از لحاظ آموزشی و تربیتی، باروری و شکوفایی هر چه بیشتر نظام آموزشی و تربیتی جامعه را موجب می گردد (میکائیلی و همکاران، ۱۳۹۱). بدون تردید، معلمان بیش از هر عامل دیگر در به وجود آوردن جو و فرهنگ مناسب در مدرسه و کلاس موثرند و رشد همه جانبه شخصیت دانش آموزان وابسته به این امر در مدرسه است (میرزایی، ۱۳۹۱). با این تفاسیر، معلمان می توانند با تنظیم برنامه درسی، سازماندهی مراحل کار و منابع، سازماندهی محیط به جهت بالا بردن کارایی، نظارت بر پیشرفت دانش آموزان را بالا ببرند. معلم باید به گونه ای رفتار کند که اولاً ارتباط عاطفی

¹ . moradi.moradi2@gmail.com

و معنوی محبت آمیزی با دانش آموزان داشته باشد و ثانیاً مدیریت و کنترل کلاس را به نحو شایسته انجام دهد، زیرا جو و فرهنگ کلاس از منظری تحت تاثیر معلم است، همین طور معلم باید در مقابل رفتارهای نامطلوب فراگیران از جمله خستگی از درس و استقلال طلبی در برابر معلم و احیاناً بی توجهی به مقررات کلاس، تصمیم درست و شایسته ای را اتخاذ کند؛ زیرا معلمان می توانند در شکل گیری شخصیت دانش آموزان دخیل باشند و به عبارتی دیگر معلم می تواند رفتارهای دانش آموز در کلاس را کنترل نماید (سر کشتی، ۱۳۹۱). از طرفی دیگر، دانش آموزان با توجه به زمینه فرهنگی و ویژگی های شخصیتی و تربیتی خود از کلاس و اعضای آن انتظاراتی دارند. آن ها انتظار دارند که به خودآموزی و یادگیری ترغیب شوند (صابریان، حاجی آقاجانی، غفاری و قربانی، ۱۳۸۶). کلاس درس سازمانی است متشکل از معلم و دانش آموز که هر یک مجموعه ای از صفات منحصر به فرد، همچون احساسات، ارزش ها، نیازها و انگیزه ها را با خود به کلاس می آورند (هوی و میسکل، ۱۳۹۳). امروزه آموزش از انتقال صرف اطلاعات به یادگیران و آموزش اندیشه ها به سوی شیوه های حل مسئله، پرورش خلاقیت و آموزش چگونه اندیشیدن، سوق داده شده است (صابریان و سالمی، ۱۳۸۳). دانش آموز باید احساس مسئولیت بیشتری داشته باشد و معلم نیز باید شیوه های آموزشی را تغییر دهد. در حالی که هنوز برخی از معلمان بر اساس زمینه فرهنگی، شخصیت و طرز تفکر خود، کلاس را اداره می نمایند اما برخی از معلمان به تبادل اطلاعات و به خصوص نقش فعال دانش آموز در کلاس تاکید دارند؛ از این رو روش های نوینی از جمله روش رویکرد کلاس معکوس^۲ مورد استفاده قرار می گیرد.

2

توصیف وضعیت موجود، بیان مساله و اهداف اجرای طرح:

عدم آگاهی به روش های تعلیم و تربیت موجب زیان های فراوانی خواهد شد. در مدارس اندیشه ها را آموزش می دهیم ولی اندیشیدن را خیر (کریمی، ۱۳۸۸). از طرفی، عدم تناسب حجم و محتوای کتاب و ساعات آموزشی و همچنین جدید بودن این درس برای دانش آموزان و اهمیت این کتاب به عنوان تک کتاب کنکور و از طرف دیگر به دلیل شرایط پساکروناپی اکثریت دانش آموزان با این درس ارتباط برقرار نمی کردند، برخی دانش آموزان روی صندلی خود در حال چرت زدن بودند، برخی از آن ها مدام با هم در حال صحبت بودند و برخی هم مطالب کتاب برای شان قابل فهم نبود و کلاس را خسته کننده و کسالت آور می دانستند که به عنوان یک مساله اجتماعی مطرح می شود. لذا برای بررسی این مسئله و یافتن راهکار مناسب، ضرورت تغییر و تحول شیوه تدریس روان شناسی و گذار از روش تدریس سنتی به روش های تدریس نوین و خلاقانه روان شناسی مطرح گردید. تدریس به روش های نوین شامل استفاده از رویکرد تدریس معکوس، زمینه سازی اشتیاق تحصیلی، بارش فکری، طرح هر دانش آموز یک کتابچه روان شناسی که شامل خلاصه نویسی درس ها، فعالیت ها و غیره توسط خود دانش آموز، تهیه پوستر و روزنامه دیواری در خصوص مطالب و محتوای درس و نصب آن در تابلوها که عملاً راهرو مدرسه هم به عنوان محیط یادگیری تلقی می شد، ارائه مطالب روان شناسی سر صف صبحگاه توسط همیار معلم که با توجه به ارائه مطالب به دیگران بالاترین سطح یادگیری تلقی می شود و ... را در دستور کار خود قرار دادیم. با وجود این که با تلاش و جدیت در حال ارائه تدریس های نوین و خلاقانه بودم، اما همچنان چالش هایی وجود داشت که از آن جمله می توانم به اعتراض برخی والدین، عدم همراهی و مشارکت برخی دانش آموزان با این شیوه جدید به دلیل اینکه ۱۱ سال به شیوه معلم محور عادت کرده بودند و عدم آشنایی برخی از همکاران و کادر دفتری با شیوه های جدید تدریس و ... از جمله مشکلات اساسی بود که در ابتدای اجرای روش تدریس معکوس و... با آن مواجه بودیم. پس از مشاهده این چالش ها، مسائل و مشکلات، بنده طی جلسه ای و با همکاری و مساعدت مدیریت محترم و معاونان محترم مدرسه، تصمیم گرفته شد که اینجانب با انجام اقدام پژوهی و با بررسی

² . Flipped Classroom Approach (FCA)

موانع و چالش‌های پیش‌روی تدریس درس روان‌شناسی به روش یادگیری معکوس و ...، نتایج مورد نظر از اجرای تنوع بخشی به روش‌های تدریس یاددهی یادگیری را دست‌یافتنی‌تر کرده و در نهایت سوق‌دهنده دانش‌آموزان به یادگیری فزاینده، اشتیاق تحصیلی و اثربخشی درس روان‌شناسی برای دانش‌آموزان باشم.

ضرورت و اهمیت اجرای طرح:

در تمام جوامع بشری هدف از آموزش و یادگیری در هر سنی و در هر جایگاهی، کسب آمادگی برای زندگی مفید در جامعه و پذیرش مسئولیت‌های فردی و اجتماعی است. در این راستا بحث یاددهی یادگیری در سنین هویت‌یابی و مشخصاً آموزش‌هایی که دانش‌آموزان در میدان مدرسه یاد می‌گیرند به لحاظ نقش برجسته‌ای که در ساختن آینده جامعه دارند، بسیار مهم و حائز اهمیت است. یادگیری که نتیجه مستقیم آموزش است، یکی از ابزارهای ضروری انسان جهت سازگاری با محیط پیرامون خود است. در حقیقت، یادگیری یک فرایند شناختی است که باعث کسب دانش و فهم جدید، اصلاح اطلاعات قبلی یا مهارت در عملکرد و فعالیت‌های شخصی می‌گردد. از نظر هیلگارد^۳ و مارکوئیز^۴ یادگیری، فرایند نسبتاً پایدار در رفتار بالقوه فرد، بر اثر تجربه است. این تعریف دیدگاهی جدید از فرایند یادگیری ارائه می‌دهد که این نظریه جدید را می‌توان در مفاهیمی همچون فرایند، تغییر، نسبتاً پایدار، رفتار بالقوه و تجربه جستجو کرد. حال که به بیان ضرورت یادگیری و اثرات آن بر زندگی فردی و اجتماعی افراد مخصوصاً نوجوانان پرداختیم، لازم است عوامل موثر بر یادگیری را نیز مورد بررسی قرار دهیم. این عوامل عبارتند از: آمادگی جسمی، عاطفی، عقلی یادگیرنده، انگیزه و هدف یادگیرنده، موقعیت و محیط یادگیری، روش تدریس معلم و تمرین و تکرار مطالب. بدین ترتیب اگر عوامل یاد شده به بهترین شکل در کنار هم قرار گیرند فرایند یاددهی یادگیری نیز به بهترین شکل ممکن اتفاق خواهد افتاد و در نتیجه یادگیری فزاینده و اشتیاق تحصیلی حاصل خواهد شد. با وجود تلاش‌های بی‌دریغ والدین و مسئولان مدرسه در فراهم آوردن شرایط مناسب به منظور یادگیری و تحصیل با کیفیت دانش‌آموزان، اما همچنان مشکلاتی از قبیل بی‌انگیزگی دانش‌آموزان، عدم تمرکز و حواس‌پرتی و از همه مهم‌تر فعال نبودن و عدم مشارکت دانش‌آموزان در کلاس درس و مخصوصاً در کلاس روان‌شناسی وجود دارد. از آن‌جا که عدم مشارکت و فعال نبودن دانش‌آموزان نقش اساسی در بی‌انگیزگی دانش‌آموزان به یادگیری روان‌شناسی و افت تحصیلی آن‌ها دارد نیاز است این مساله در تمامی ابعاد مورد بررسی قرار گرفته و راه‌حلی برای بهبود و تقویت مطالب در کلاس روان‌شناسی ارائه شود. با این تفاسیر نقش معلم به عنوان تسهیل‌گر امر آموزش در ایجاد کلاس درس فعال و پویا و ایجاد یادگیری فزاینده و اشتیاق تحصیلی برای دانش‌آموزان بسیار مهم و تاثیرگذار است. هدف از این پژوهش بررسی تنوع بخشی روش‌های یاددهی یادگیری، روش‌های خلاقانه و نوین تدریس روان‌شناسی مانند رویکرد تدریس معکوس و ... در یادگیری فزاینده، اشتیاق تحصیلی و اثر بخشی درس روان‌شناسی و جامعه این پژوهش دانش‌آموزان یازدهم علوم انسانی متوسطه دوم طالقانی در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳ در منطقه میمند فارس است.

3

³ . Ernest Hilgard

⁴ . Marquis

اهداف پژوهش:

هدف کلی: با استفاده از تنوع بخشی به روش‌های یاددهی یادگیری، سائقه دانش‌آموزان به یادگیری فزاینده، اشتیاق تحصیلی و اثر بخشی درس روان‌شناسی در مدرسه طالقانی

اهداف جزئی:

شناسایی عوامل بی‌انگیزگی دانش‌آموزان در درس روان‌شناسی
شناخت و بررسی عوامل محیطی ایجاد یاددهی یادگیری دانش‌آموزان
ایجاد انگیزه و اشتیاق تحصیلی در درس روان‌شناسی
کمک به یادگیری عمیق‌تر و دقیق‌تر در درس روان‌شناسی

پرسش‌های پژوهش:

- ۱) آیا دانش‌آموزان آمادگی تغییر و تحول روش تدریس روان‌شناسی، از روش سنتی به روش‌های نوین مثل تدریس معکوس را دارند؟
- ۲) تدریس روان‌شناسی به روش یادگیری معکوس و ... نیازمند چه ابزار و وسایلی است؟
- ۳) آیا تمام دانش‌آموزان توانایی درک ارتباط بین یادگیری معکوس با مطالب کتاب درسی را دارند؟
- ۴) آیا تمامی دانش‌آموزان مایل به مشارکت در یادگیری معکوس و ... و انجام این روش مورد نظر هستند؟
- ۵) آیا استفاده از این روش‌های نوین تدریس در تقویت یادگیری فزاینده و اشتیاق تحصیلی دانش‌آموزان تاثیر مثبت دارد؟
- ۶) دلایل احتمالی عدم همراهی دانش‌آموزان با روش‌های نوین آموزش روان‌شناسی کدامند؟
- ۷) آیا والدین با روش‌های نوین آموزش روان‌شناسی همراه خواهند شد و به تحقق اهداف مورد نظر کمک خواهند کرد؟
- ۸) آیا تهیه کتابچه خلاصه مفاهیم مطالب دروس روانشناسی توسط دانش‌آموزان سبب یادگیری فزاینده و اشتیاق تحصیلی دانش‌آموزان خواهد شد؟
- ۹) آیا ارائه کنفرانس توسط دانش‌آموزان سبب یادگیری فزاینده و اشتیاق تحصیلی دانش‌آموزان خواهد شد؟

پژوهش‌های پیشین:

عطاران و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهش خود نشان دادند که فرهنگ یادگیری در ایران غالباً معلم محور است تا یادگیرنده محور و محتوا محور است تا فعالیت محور و نمره محور است تا یادگیری محور و بر حفظ و انتقال مطالب تاکید می‌شود تا ساخت و تولید دانش و در نهایت نتیجه محور است تا این که فرایند محور باشد.

سرکارانی (۱۳۸۷) در پژوهش خود با مقایسه فرهنگ یادگیری ژاپن و ایران می‌نویسد آموزش در ژاپن اغلب فرایند محور، مشارکتی، تحلیلی و نقادانه است. در این فرهنگ، دانش‌آموزان خود در جست‌وجوی دانش هستند و به فعالیت‌های گروهی و مشارکتی سوق داده می‌شوند و طی کردن فرایند حل مسئله بیش از نتیجه آن، مهم شمرده می‌شود. در فرهنگ یادگیری ایران غالباً نتیجه بر فرایند و رقابت بر مشارکت ترجیح داده می‌شود.

طاهری و منصوری (۱۳۹۷) پژوهشی با عنوان اثر بخشی آموزش خودکارآمدی بر اشتیاق تحصیلی دانش‌آموزان انجام دادند. یافته‌های پژوهش نشان داد آموزش خودکارآمدی یک روش موثر در افزایش اعتماد به نفس و اشتیاق تحصیلی دانش‌آموزان دارد.



Archive of SID
 4th International & 5th National Conference on New Findings in Management, Psychology and Accounting
 December 20th & 21th, 2023 | University of Tehran

۲۹ و ۳۰ آذر ۱۴۰۲
 دانشگاه تهران



پاراکاچت و همکاران (۲۰۱۳) در پژوهشی با موضوع عوامل تاثیر گذار بر کمک طلبی تحصیلی به این نتیجه رسیدند که رفتار کمک طلبی تحت تاثیر ساختار اهداف کلاس، روش های آموزشی اساتید، دانش ها و مهارت ها قرار دارد.

گردآوری اطلاعات (شواهد ۱)

ایده یادگیری معکوس در سال ۲۰۰۷ توسط جاناتان برگمن و ارون سمز جرقه خورد، جاناتان برگمن معلمی است که در گذشته، کلاس معلم محور را دوست داشت، اما زمانی که دید چگونه دانش آموزانش با معکوس کردن آموزش، درگیر فرایند آموزش شده اند، آن روش را رها کرد. یادگیری معکوس به او امکان داد تا دانش آموزانش را بهتر بشناسد و دلیل معلم شدنش را به یاد آورد. او یکی از پیشگامان جنبش یادگیری معکوس است (فرهمند، ۱۳۹۵). کلاس معکوس^۵ فرایندهای آموزشی دلالت دارد که در آن دانش آموزان در کلاس های چهره به چهره حضور دارند، آن ها قبلاً مقداری از دانش نظری موضوعی را که قرار است در کلاس بحث شود، دریافت کرده اند. این روش، تعامل را موثرتر و مفیدتر می سازد؛ زیرا دانش آموزان در پرسیدن سوالات، احساس راحت تر و اطمینان بیشتری دارند و درباره موضوع با معلم و همکلاسی هایشان بحث و گفت و گو می کنند (سولوژینکو و اویسائ^۶، ۲۰۱۵). یکی از ساده ترین تعاریف برای رویکرد کلاس معکوس این است که فرم و قالب سخنرانی استاندارد داخل کلاسی با فرصت هایی برای دانش آموزان برای مرور، بحث و اکتشاف مسیر با کمک مربی در کلاس، جایگزین شود (هاگس^۷، ۲۰۱۲). کلاس درس معکوس، مدلی آموزشی است که در آن، سخنرانی و تکالیف منزل به عنوان عناصر اصلی آموزش جای شان عوض می شود (جانسون^۸، ۲۰۱۳؛ انفیلد^۹، ۲۰۱۳؛ برگمن و سمز^{۱۰}، ۲۰۱۲). همچنین برت^{۱۱} (۲۰۱۲) کلاس معکوس را به عنوان روشی برای فراهم کردن اطلاعات خارج از کلاس از طریق دیدن سخنرانی های ضبط شده یا گوش کردن به پادکست ها و کامل کردن تکالیف دانش آموز در کلاس، حل مسائل با کمک همکلاسی ها و استاد، و به کار بردن دانش جدید برای مفاهیم مختلف استفاده کرده است. تعریف عملیاتی روش کلاس معکوس شامل یادگیری مشارکتی، فعال، مسئله محور، همیاری، کشف و توسعه مهارت درون کلاسی و ویدئوهای ضبط شده سخنرانی هایی است که برای دانش آموزان، خارج از زمان کلاسی در دسترس هستند (کاوایانی، مصطفایی و خاکره، ۱۳۹۴). آموزش رویکرد کلاس معکوس با مربیانی آغاز و تمرین شد که می خواستند تا دانش آموزان را بیشتر در فرایندهای یادگیری درگیر سازند (واگن^{۱۲}، ۲۰۱۴). این رویکرد تعامل بین دانش آموزان و معلمان را افزایش می دهد. پرورش یک کلاس دانش آموز محور، مبتنی بر تجارب شخصی، به تلاش و کوشش دانش آموزان کمک می کند؛ مفاهیم درسی را در قالب قطعه های کوتاه ارائه می دهد و مشکلات مدیریت کلاس را کاهش می دهد (پاپادوپولوس و رومن^{۱۳}، ۲۰۱۳).

یکی از عوامل بسیار مهم و اثرگذار در عملکرد تحصیلی دانش آموزان عوامل روان شناختی آن ها است (میکائیلی و همکاران، ۱۳۹۱). از جمله ویژگی های روان شناختی مهمی که عملکرد تحصیلی را تحت تاثیر قرار می دهد، اشتیاق تحصیلی^{۱۴} است. بنابراین بهره گیری از روش های مختلف یاد دهی یادگیری برای آموزش مفاهیم روان شناسی برای تمامی قشرهای دانش آموزان ضروری می باشد.

5 . Flipped Classroom Approach (FCA)

6 . Evseeva & Solozhenko

7 . Hughes

8 . Johnson

9 . Enfield

1 . Bergmann & Sams

0

1 . Berrett

1

1 . Voughn

2

1 . Papadopoulos & Roman

3

1 . Academic engagement

4

اشتیاق تحصیلی که در چند سال اخیر مورد توجه پژوهشگران بوده در حوزه روان‌شناسی مثبت نگر است. تحصیل دانش آموزانی که اشتیاق تحصیلی بالاتری دارند، توجه و تمرکز بیشتری بر مسائل و موضوعات با هدف یادگیری دارند و در آزمون عملکرد بهتری دارند. یکی از عوامل کلیدی موثر بر موفقیت دانش‌آموزان، مفهوم اشتیاق تحصیلی است. سازه اشتیاق تحصیلی در مدرسه به رفتارهایی که به یادگیری و پیشرفت تحصیلی مربوط است اطلاق می‌شود (پینتریچ، ۲۰۰۳). اشتیاق تحصیلی سازه‌ای چند بعدی است که متشکل از مولفه‌های مختلف رفتاری، شناختی و انگیزشی است (مارتین و لیم، ۲۰۱۶).

به عقیده لینن برینک و پینتریچ (۲۰۰۳) اشتیاق تحصیلی دارای سه بعد شناختی، انگیزشی و رفتاری می‌باشد که عبارتند از:

الف) اشتیاق تحصیلی شناختی: شامل انواع راهبردهای شناختی و فراشناختی است که توسط دانش‌آموزان برای یادگیری مورد استفاده قرار می‌گیرد.

ب) اشتیاق تحصیلی انگیزشی: شامل سه مولفه احساس، ارزش و عاطفه است. برای مثال این مولفه باورهای دانش‌آموزان را در این مورد منعکس می‌کند که چرا دروس و مهارت‌هایی که یاد می‌گیرند مفید، مهم و جذاب اند.

ج) اشتیاق تحصیلی رفتاری: شامل رفتارهای قابل مشاهده دانش‌آموزان در برخورد با تکالیف درسی است و شامل مولفه‌های تلاش، پایداری و درخواست کمک از دیگران است.

گردآوری داده‌ها:

۱) مشاهده

- بررسی بی‌انگیزگی دانش‌آموزان توسط معلم
- بررسی عدم مشارکت و فعال نبودن دانش‌آموزان توسط معلم

۲) مصاحبه

- مصاحبه با معلمان
- مصاحبه با دانش‌آموزان
- مصاحبه با والدین

۳) اسناد کتبی

بررسی اسناد و مدارک که به صورت عینی و ملموس وضعیت موجود را نشان می‌دهد.

۴) اسناد شفاهی

صحبت‌های همکاران نقاد، دانش‌آموزان و والدین و غیره.

مشاهده:

یکی از ابزارهای گردآوری داده‌ها که در این پژوهش استفاده نمودم مشاهده بود که از زمان شروع اقدام پژوهی با توجه و دقت بیشتر، بی‌انگیزگی و عدم مشارکت و فعال نبودن دانش‌آموزان که با آن مواجه می‌شوم را پس از رصد کردن یادداشت‌هایم.

مصاحبه:

بر طبق برنامه ریزی‌های انجام شده، جهت گردآوری داده‌های بیشتر و بررسی وسیع و گسترده‌تر از ابزار پرسش‌نامه، مصاحبه با معلمان، دانش‌آموزان و والدین نیز استفاده نمودیم.

¹ . Pintrich

5

¹ . liem

6

نظرات همکاران نقاد:

- به منظور بررسی دقیق‌تر از همکاران نقاد درخواست شد که نظرات شان را بیان نمایند. مسائل و مشکلاتی که از سوی همکاران بیان شد عبارت بودند از:
- (۱) لزوم تغییر استفاده از روش‌های تدریس سنتی در برخی از کلاس‌ها.
 - (۲) خشک و رسمی بودن بیش از حد کلاس و عدم ارتباط عاطفی سازنده بین معلم.
 - (۳) عدم مشارکت و فعالیت دانش‌آموز در کلاس درس و معلم محور بودن کلاس.
 - (۴) عدم استفاده از تکنولوژی‌های نوین آموزشی مثل پاورپوینت و غیره.
 - (۵) عدم آمادگی دانش‌آموز در کلاس درس.
 - (۶) برخورد شدید و نامناسب معلم در پی پاسخ اشتباه دانش‌آموزان.
 - (۷) سرکوب اعتماد به نفس دانش‌آموزان.



7

نظرات دانش‌آموزان:

برخی از دانش‌آموزان همواره هم قدم با کلاس پیش می‌روند و علاقه مند به مشارکت و فعالیت در کلاس درس هستند. این دسته از دانش‌آموزان با شوق و اشتیاق و دارای خلاقیت هستند. با اعتماد به نفس با تولید محتواهای پربار اقدام به مشارکت در امر تدریس می‌کنند. علاقه مند به مشارکت در فعالیت‌ها، سوالات، مطالب و محتوای کتاب هستند و مباحث درس روان‌شناسی را به صورت عمیق فرا می‌گیرند و در مواردی قادر به کاربرد مفاهیم روان‌شناسی می‌باشند. اما در مقابل دانش‌آموزان دیگر هم قرار دارند که بی‌انگیزه، بی‌حوصله و عدم علاقه برای مشارکت در فعالیت و تکالیف کلاسی، عدم برقراری ارتباط عاطفی با معلم و در مجموع عدم مسئولیت‌پذیری، عدم تمایل برای مشارکت در کنفرانس، عدم فعالیت در بحث و گفت‌وگوی کلاس، عدم حمایت تحصیلی والدین آن‌ها و مسائل و مشکلات خانوادگی از صحبت‌های آن‌ها مشهود است.



نظرات والدین:

همانند نظرات دانش‌آموزان، برخی والدین نیز از تدریس روان‌شناسی به روش یادگیری معکوس ابراز رضایت نمودند و بیان داشتند که دانش‌آموزان با روش تدریس معکوس مطالعه بیشتری دارند و درس روان‌شناسی را بهتر یاد می‌گیرند، با علاقه مندی در خانه مطالب، محتوا، پاورپوینت، مباحث کتاب و درسنامه‌ها را مطالعه می‌کنند و برای رفع اشکال و حل فعالیت‌ها و تکالیف کلاس و رفع اشکال وارد کلاس درس می‌شوند. همچنین آن‌ها اعلام کردند که دانش‌آموزان با ساخت روزنامه دیواری، نوشتن کتابچه و با تولید محتوا در خانه با آمادگی بیشتری جهت مشارکت در فرایند تدریس وارد کلاس می‌شوند. از نظر والدین پویا بودن محیط کلاس و استفاده از برنامه‌های خلاق در امور آموزشی و تدریس عامل دیگری بوده که یادگیری فزاینده و عمیق‌تر و اثربخشی و علاقه مندی دانش‌آموزان به درس روان‌شناسی را به دنبال دارد.

از طرفی دیگر والدینی بودند که از این روش‌ها استقبال نکردند و اظهار داشتند به روش تدریس سنتی تمایل دارند و با این روش‌های نوین آموزشی نمی‌توانند تعامل و ارتباط بگیرند. همچنین برخی والدین اذعان داشتند به دلیل مشغله کاری، برای شان مقدور نیست نظارت کافی بر امور آموزشی مربوط به دانش‌آموزان را داشته باشند. برخی دیگر از والدین دلیل افت تحصیلی در دانش‌آموزان را مشکلات خانوادگی عنوان کردند. برخی والدین فکر می‌کنند چون فرزندان شان را به مدرسه فرستاده‌اند، دیگر مسئولیتی در قبال تحصیل وی ندارند.



تجزیه و تحلیل داده‌ها:

الف) عوامل محیطی

تجارب منفی: پیش‌زمینه‌های ذهنی، معلمان جدی و سخت‌گیری، روش‌های تدریس اشتباه، عدم توجه به مراحل رشد ذهنی و آزمون‌های پیچیده پی‌در‌پی، همگی می‌توانند موجب بدبینی دانش‌آموزان نسبت به درس روان‌شناسی شوند.

محتوای کتاب روان‌شناسی: عدم تناسب حجم و محتوای کتاب روان‌شناسی با ساعات آموزشی نیز به گونه‌ای است که یادگیری مفاهیم روان‌شناسی، سخت جلوه می‌کند و موجب گیجی و سر در گمی دانش‌آموزان می‌شود. در چنین مواردی اگر معلم هم درایت و تلاش از خود به خرج ندهد و آموزش را راحت‌تر نکند، موجب بی‌زاری دانش‌آموزان از درس روان‌شناسی می‌شود. شیوه آموزش معلم: در صورتی که معلم بدون در نظر گرفتن موقعیت ذهنی - روانی دانش‌آموزان و میزان استعداد و توانایی‌های آنان، به شیوه سخنرانی و معلم محور کلاس درس را پیش‌برد، در این صورت دانش‌آموزان احساس عدم کفایت و ناتوانی می‌کنند و نسبت به استعداد و عملکرد خود بدبین و از درس زده می‌شوند.

ب) شیوه‌های اشتباه آموزش روان‌شناسی

- تاکید بیش از اندازه بر به یاد سپاری: روان‌شناسی درسی است که بیش از آن که به حفظ کردن نیاز داشته باشد، به فهمیدن و درک کردن نیاز دارد. درک مفاهیم و مطالب روان‌شناسی موضوعی است که برای تدریس این درس باید در وهله اول مد نظر باشد.
- تاکید بر سرعت در پاسخگویی: فعالیت حل کردن و پاسخ دادن به سوالات درس روان‌شناسی نیاز به درک مساله و پرسش معلم دارد. پس با فشار آوردن بر دانش‌آموزان که سریع پاسخ دهید، نمی‌توان مشکلی را حل کرد. در این گونه موارد، دانش‌آموزی که قدری کندتر از دیگران عمل می‌کند، احساس عدم کفایت و ضعف می‌کند و از یادگیری و درک مفهوم عاجز می‌ماند.
- یکنواختی و عدم ابتکار معلمان در شیوه تدریس: اغلب دانش‌آموزان دوست دارند فعالیت‌ها، تکالیف و پرسش‌های متنوع را پاسخ دهند. به عنوان مثال، معلم می‌تواند برای به تفکر واداشتن دانش‌آموزان، آن‌ها را در شرایط عینی روز مره زندگی قرار دهد و انتظار داشته باشد که آن مسائل را پاسخ دهند. دانش‌آموزان نیاز به هر چه عینی‌تر کردن مسائل دارند. چون بیشتر مطالب و محتوای روان‌شناسی انتزاعی هستند، برای درک مساله و آسان‌سازی آن باید از روش‌های ملموس استفاده نمود.
- عدم درک دانش‌آموزان از کاربرد روان‌شناسی در زندگی: بدیهی است اگر دانش‌آموزان موارد استفاده از روان‌شناسی را در زندگی روز مره بشناسند و بکار گیرند، علاقه مندی بیشتری نسبت به یادگیری این درس از خود نشان خواهند داد.
- عدم تناسب پرسش‌های امتحانات با توانایی‌های دانش‌آموز: پرسش‌های بسیار دشوار که عدم موفقیت دانش‌آموز را در پی دارد، باعث افزایش میزان ناتوانی می‌شود و تجربه‌های پی در پی شکست، احساس ناتوانی را در دانش‌آموزان ایجاد می‌کند. مسئله مهم دیگر این است که سوالات امتحانی باید با توجه به روش تدریس معلم طرح شود. بدیهی است در صورتی که معلم با روش‌هایی مانند روش‌های سخنرانی و توضیحی تدریس کند، نمی‌توان برای فراگیران سؤال‌هایی که نیاز به توانایی‌های بالای ذهنی از قبیل استدلال، تجزیه و تحلیل و ... دارد را مطرح کرد.

ج) عوامل فردی:

کاهش اعتماد به نفس و عزت نفس: عدم تسلط بر مفاهیم روان‌شناسی، فعالیت‌ها و راه حل آن‌ها، موجب کاهش اعتماد به نفس دانش‌آموزان در یادگیری درس روان‌شناسی می‌شود و این چرخه ضعیف (ندانستن، بی‌علاقگی و بی‌زاری از درس روان‌شناسی) موجب دوری‌گزیدن از درس روان‌شناسی می‌شود.

احساس ضعف و کمبود: اغلب دانش آموزانی که به درس روان شناسی علاقه ندارند از اشتباه کردن برای ارائه کنفرانس و ... می هراسند. آن‌ها تصور می کنند اگر نتوانند پاسخ سئوالی را درست جواب دهند، یا برای ارائه کنفرانس مورد تمسخر و خنده هم کلاسی های شان قرار می گیرند.

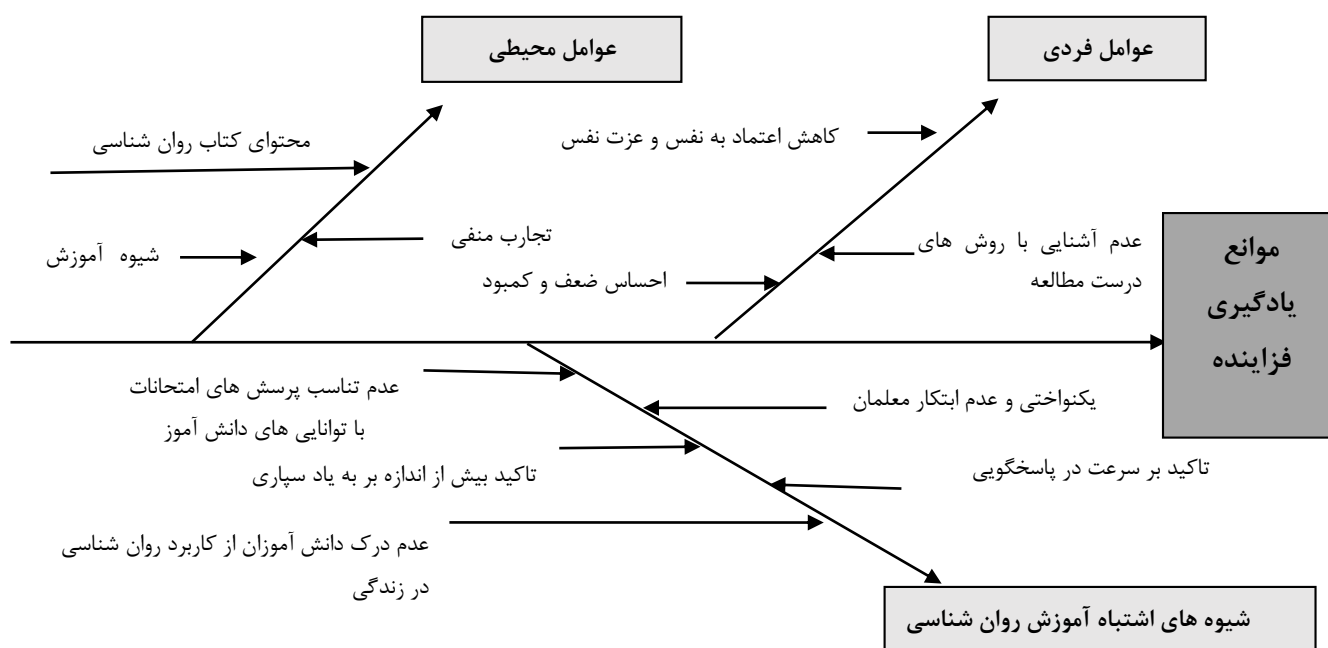
عدم آشنایی با روش های درست مطالعه: از عوامل مهم در ایجاد اضطراب به خصوص در مواقع امتحان، آشنا نبودن دانش آموزان با شیوه های درست مطالعه هر درس است. بعضی از دانش آموزان متن های مختلف را با سرعت و شیوه های یکسان مطالعه می کنند.

آموزش روان شناسی و نقش معلمان:

معلم نباید بدون در نظر گرفتن موقعیت ذهنی و روانی دانش آموزان و میزان استعدادها و توانایی های آن‌ها، پرسش هایی برای حل کردن طرح کنند که از عهده بیشتر دانش آموزان کلاس خارج است. در این گونه موارد، دانش آموزان احساس عدم کفایت و ناتوانی می کنند و نسبت به استعداد و عملکرد خود بدبین و زده می شوند. بدیهی است رفتارهای پنهان و آشکار (کلامی و غیر کلامی) معلم در بروز اضطراب دانش آموزان از درس روان شناسی تاثیر زیادی دارد. زمانی که معلم ناخودآگاه اخم می کند و یا با جملاتی توهین آمیز و ترش رویی موجب کاهش اعتماد به نفس دانش آموز می شود، او را از دستیابی به درک و فهم و جواب پرسش یا فعالیت باز می دارد. در کنار آموزش مفاهیم و مطالب روان شناسی معلم می بایست درک مساله، شیوه طرح سوال و مساله، قابل فهم بودن سوال و مساله، درک راه حل سوال و مدرسه و بیان شیوه حل تکالیف و مساله را نیز به دانش آموزان بیاموزد. هر چه مساله، تکالیف، طرح سوالات و فعالیت ها برای دانش آموزان قابل فهم تر و ملموس تر باشد، یافتن راه حل این مسائل نیز برای آن‌ها راحت تر خواهد بود. هر چه معلم از مثال ها، تمرین ها و راهکارهای عینی تر استفاده کند، دانش آموزان روان شناسی را آسان تر و عملی تر خواهند یافت. معلم برای تسهیل گری در آموزش درس روان شناسی باید شیوه ها و روش های تدریس را متناسب با نیازهای دانش آموزان کلاس خود تغییر دهد. بنابراین معلم باید موارد زیر را رعایت کند:

- (۱) نسبت به روان شناسی نگرش و دیدی مثبت و سازنده در خود و دانش آموزان ایجاد کند.
- (۲) معلم باید بپذیرد دانش آموزان با یکدیگر تفاوت دارند و هر دانش آموز شیوه واحدی برای تفکر دارد.
- (۳) دانش آموزان را با فرایند یاد دهی یادگیری توجیه کند. گفت و گو و ساده سازی مفاهیم روان شناسی، امکان پرسش و پاسخ کلاسی، رفع اشکال، ارائه تمرین ها و تکالیف از ساده به پیچیده، خرد خرد مطالعه کردن و انباشته نشدن درس ها روی هم از جمله نکاتی است که معلم روان شناسی باید به آن‌ها توجه داشته باشد.
- (۴) آزمون های کوتاه و متنوع می تواند مفید واقع شود. آزمون های هفتگی و تمرین های مکرر و مرور مطالب که برای یادآوری درس های قبلی آورده می شود، نیز موجب حضور ذهن دانش آموزان در کلاس درس می شود.
- (۵) از طریق رفع اشکال مفاهیم و مطالب کتاب، به کار بستن شیوه های جدید آموزش، ایجاد فضایی شاد و پر انرژی، پذیرش اشتباه و خطای دانش آموزان، تشویق به پرسش های کلاسی و درک سوالات دانش آموزان از جمله نکاتی است که معلم برای اشتیاق تحصیلی و یادگیری فزاینده می تواند بکار گیرد.

۶) با خوش رویی و روحیه ای شاد تدریس روان شناسی را آغاز می کنیم. در صورتی که معلم عصبانی، خسته و پرخاشگری کند و با کج خلقی به دانش آموزان درس دهد جوی منفی و ناخوشایند در کلاس ایجاد می شود که موجب ترس و دلهره دانش آموزان می شود.



11

نمودار شماره ۱: نمودار استخوان ماهی موانع یادگیری فزاینده دانش آموزان در درس روان شناسی

انتخاب راه حل های جدید پیشنهادی:

با توجه به گام هایی که تا این مرحله از اقدام پژوهی برداشتیم و با تجزیه و تحلیل اطلاعات و داده های موجود به این نتیجه رسیدیم که لازم است روش تدریس یادگیری معکوس را اجرا کنیم. روان شناسان توصیه می کنند کلاس های روان شناسی به شیوه دانش آموز محور مدیریت شود، یعنی معلم متکلم وحده نباشد و دانش آموزان نیز در بحث مشارکت داده شوند. دیگر این که فعالیت های کلاسی باید به گونه ای ترتیب داده شود که دانش آموزان احساس موفقیت کنند. در واقع معلم موظف است در مواجهه با خطاهای دانش آموزان به گونه ای رفتار کند که اعتماد به نفس آن ها تخریب نشود. روان شناسان این نکته را نیز یادآور می شوند که همه دانش آموزان مستعد یادگیری روان شناسی هستند، اما هر یک از آن ها ممکن است درس را با یک شیوه تدریس متنوع یاد بگیرند. به همین دلیل ایده آل است که مطالب با تنوع بخشی و روش های مختلف یاد دهی یادگیری ارائه شود. بنابراین سعی نمودم مفاهیم جدید را به روش یادگیری معکوس، ارائه کنفرانس توسط دانش آموزان، تهیه کتابچه روان شناسی که دانش آموزان تهیه نمودند، تهیه روزنامه دیواری توسط دانش آموزان، یاد دهی مطالب کتاب توسط دانش آموز برای همکلاسی هایش که بالاترین سطح یادگیری است،

اجرای مباحث روان‌شناسی چگونه حافظه بهتری داشته باشیم توسط دانش آموز یازدهم انسانی برای سایر دانش آموزان مدرسه که بالاترین سطح یادگیری یعنی فرا شناخت است، فعالیت‌های مشارکتی با ابزارهای کمک آموزشی و فناوری‌های روز، راهرو مدرسه به عنوان محیط یادگیری و غیره.

بنابراین نیاز دانش‌آموزانم به روان‌شناسی کاربردی را نادیده نگرفتم؛ زیرا آنها لازم است ارتباط مفاهیم روان‌شناسی را با امور زندگی روزمره درک و فهم کنند. در این راستا همکاری‌های موثر و متقابل من، دانش‌آموزان و والدین سهم عمده‌ای در بهبود یادگیری فزاینده و اشتیاق تحصیلی دانش‌آموزان داشت.

- تلاش نمودم حس اعتماد بین خودم و دانش‌آموزان را ایجاد نمایم.
- کوشیدم نگرش مثبت نسبت به روان‌شناسی ایجاد نمایم،
- تقویت مفاهیم روان‌شناسی در دانش‌آموزان،
- لذت بخش ساختن فعالیت‌های روان‌شناسی و آشنا سازی دانش‌آموزان با منافع و کاربردهای روان‌شناسی در جامعه.
- گفتن جملات مثبت و انرژی بخش در کلاس درس و پرهیز از کج خلقی بیان مشکلات شخصی.
- سعی در ایجاد کلاس مبتنی بر آرامش
- اصلاح شیوه‌های سنتی و متعارف ارزشیابی روان‌شناسی: ارزیابی دانش‌آموزان با برگزاری یک امتحان عادلانه و علمی نیست.
- ارزیابی هفتگی آموخته‌های دانش‌آموزان به نحوی که مطالعه خرد خرد داشته باشند و از انباشته شدن مطالب جلوگیری شود.
- سطح آزمون‌ها را از ساده به مشکل ارتقاء دادم. چون کسب موقعیت‌های پی در پی خود به عنوان عاملی در ایجاد انگیزه و علاقه در دانش‌آموزان محسوب می‌شود و موفقیت‌های بعدی را به دنبال خواهد داشت.
- اختصاص دادن زمان مناسب برای حل فعالیت‌ها، سوال‌ها و تمرین‌های کتاب به منظور اثر بخشی درس روان‌شناسی
- استفاده مناسب و بهینه از زمان در طول دوره تحصیل و اراده برای کار و تلاش بیشتر:





نظریه یادگیری به روش معکوس

شرایط علی:
چهارچوب‌ها و قوانین سنتی
ضعف سیاست‌های تشویقی
مدرسه و اداره
هنجارهای حاکم بر نظام تعلیم و تربیت
منابع و امکانات مورد نیاز

1 شرایط زمینه‌ای
باور معلم به اثربخشی یادگیری به روش معکوس
باور معلم نسبت به توانایی انجام کار
باور معلم نسبت به دانش آموز
تسلط کامل معلم



پیامدها:
انگیزه دهی به دانش آموز و معلم
به روز بودن اطلاعات معلم
پویایی کلاس درس
تسلط کامل معلم

شرایط مداخله‌ای:
باورهای فرهنگی خانواده‌ها و کادر مدرسه
در زمینه یادگیری به روش معکوس
آگاهی بخشی به خانواده‌ها
پیش‌فرض‌های فرهنگی نهفته در مورد نقش معلم

نمودار شماره ۲: نظریه زمینه‌ای یادگیری به روش معکوس در کلاس درس

ایجاد راهکارهای مناسب برای معلمان

- فاصله گرفتن از روش‌های تدریس سنتی درس روان‌شناسی و استفاده از روش‌های جدید و خلاقانه تدریس.
- ابتکار و نوآوری در ارائه مطالب کتاب درسی و مفاهیم روان‌شناسی
- ارائه کنفرانس توسط همیار معلم و سپس دانش‌آموزان داوطلب
- تبدیل فضای خشک کلاس روان‌شناسی به فضایی خلاق، با نشاط و پویا
- ترغیب دانش‌آموزان به مشارکت و فعال بودن در کلاس درس
- هم‌اندیشی با سایر همکاران و استفاده از تجارب آن‌ها در زمینه تدریس
- توجه به نظرات مفید و سازنده مدیر، معاونین و ناظر آموزشی
- برنامه ریزی ویژه و فردی برای دانش‌آموزانی که در یادگیری ضعف دارند.

راهکارهایی برای والدین

- شرکت در جلسات مدرسه و آگاهی از روش‌های جدید تدریس به خصوص رویکرد کلاس معکوس
- عدم دخالت در فرایند تدریس و همراهی با معلم در تدریس به روش‌های نوین آموزشی
- پذیرش تفاوت دانش‌آموزان و پرهیز از مقایسه آن‌ها
- کاهش کنترل، محافظت و محدودیت بیش از اندازه
- تشویق دانش‌آموزان به یادگیری
- ایجاد و تقویت اعتماد به نفس در فرزندان
- ایجاد محیطی آرام و شاد در خانه جهت مطالعه

راهکارهایی برای دانش‌آموزان

- حضور فعال و موثر در کلاس درس
- مشارکت و فعالیت در کلاس درس و همراهی با معلم در فرایند تدریس
- توجه به مطالب درسی ارائه شده توسط معلم
- کوشش در جهت یادگیری مطالب درسی
- مسئولیت‌پذیری و ایفای نقش در کلاس درس

اقدام و اجرای راهکارهای جدید:

با توجه به مطالب و نظرات بیان شده لازم بود تا برنامه و دستورالعمل جامع و مشخصی برای تنوع بخشی به روش‌های یاددهی یادگیری انجام دهم.

۱) فراهم کردن محیطی شاد و آرام در کلاس درس:

ایجاد فضای شاد یکی از کارآمدترین راه‌ها برای افزایش آرامش روحی و روانی در کلاس درس است. دانش‌آموزان با نشاط مسئولیت‌پذیر و هدفمند هستند. در پرتو شادی و نشاط است که آن‌ها می‌توانند برداشتی واقع‌بینانه از توانایی‌های خود به دست آورند. نشاط و شادایی در کلاس به رشد و شکوفایی همه ابعاد وجودی دانش‌آموز می‌انجامد. در محیط شاد ذهن انسان پویا و استعدادش شکوفا می‌شود. شادی باور به این موضوع است که همه چیز به خوبی می‌گذرد، باوری که با احساس رضایت

همراه است. یکی از مکان‌هایی که می‌تواند سبب ترویج روحیه نشاط و شادابی در دانش‌آموزان شود، کلاس درس است. بنابراین سعی نمودم با فراهم آوردن موقعیت‌های شاد به افزایش اعتماد به نفس در دانش‌آموزان کمک کنم. زیرا شادی و نشاط از ابتدایی‌ترین حقوق دانش‌آموز در دوره متوسطه است و بر این اساس در تهیه و تدوین فعالیت‌های روزانه کلاس خود به آن توجه داشتم. همچنین بسیاری از مسائل و مشکلات تعلیم و تربیت با تغییر و تحول فضای کلاس به سوی شادی و نشاط التیام می‌یابد و این موضوع باعث تحول در دانش‌آموز می‌شود. در نقطه مقابل، بی‌توجهی به شادی در کلاس درس سبب دلزدگی و مقاومت عمدی دانش‌آموز می‌شود.

۲) تشویق دانش‌آموزان به یادگیری مشارکتی:

در الگوی مشارکتی من (معلم) به جای این که مطالب درسی را به دانش‌آموزان ارائه دهم به عنوان یک منبع تسهیل‌گر و تسهیل‌کننده یادگیری بوم و در فرایند آموزش و یادگیری با دانش‌آموزان همکاری داشتم و هر دانش‌آموز به جای این که به صورت منفعل به من معلم به عنوان یک منبع مرکزی انسانی وابسته باشد، مجبور است در کلاس مشارکت فعال داشته و نسبت به آن چه یاد می‌گیرد مسئول باشد. یادگیری از طریق همیاری راهبردی است که دانش‌آموزان را در قالب گروه‌های منسجم و پایدار برای کار و تعامل با یکدیگر بر می‌انگیزد. یادگیری مشارکتی به عنوان وسیله‌ای برای تقویت مهارت‌های فکری و ارتقاء سطح یادگیری، وسیله‌ای برای بهبود و تقویت روابط دانش‌آموزان مختلف و آماده کردن آن‌ها برای ایفای نقش در فعالیت‌های گروهی می‌تواند در نظر گرفته شود. یادگیری مشارکتی به یک روش خاص محدود نمی‌شود، بلکه مجموعه گسترده‌ای از روش‌ها را در بر می‌گیرد که از طریق آن‌ها کلاس درس به شکل انعطاف‌پذیر و در عین حال کارآمدی سازمان‌دهی و اداره می‌شود. با توجه به وسعت دامنه یادگیری مشارکتی، من متناسب با شرایط و موقعیت و فلسفه خود شکلی از آن را مورد استفاده قرار می‌دادم که به روند پیشرفت در دانش‌آموزان کمک قابل توجهی کرده است.

ارزیابی علمی و اعتبار سنجی داده‌ها (شواهد ۲)

با انتخاب رویکرد تدریس معکوس و اجرای این روش در کلاس روان‌شناسی پایه یازدهم با چالش‌های جدید و موانع مختلفی رو به رو شدم. اولین چالش از سوی معلمان همکار بود که به دلایل مختلف مانند آگاهی نداشتن از این روش و معتقد بودند صرفاً در کلاس باید متکلم وحده باشد و دانش‌آموزان هم شنونده باشند و ... تمایلی به استفاده از روش تدریس معکوس نداشتند و مایل به تدریس به همان روش‌های سنتی بودند.

چالش دیگر از سوی والدین و دانش‌آموزان بود که فعالیت زیادی در خانه از خود نشان نمی‌دادند و حمایت تحصیلی نداشتند. پس از مطالعات و بررسی‌هایی که در زمینه روش‌های نوین تدریس انجام دادم، تصمیم گرفتم روش‌های سنتی و معلم‌محور پیشین را کنار گذاشته و از روش یادگیری تدریس معکوس استفاده نمایم.

دلایل انتخاب روش تدریس معکوس:

- ۱) پرورش خلاقیت و رشد فکری در دانش‌آموزان
- ۲) یادگیری فزاینده و افزایش انگیزه در دانش‌آموزان
- ۳) تبدیل کلاس روان‌شناسی از حالت معلم‌محور به دانش‌آموز‌محور
- ۴) ایجاد کلاس درسی خلاق، با نشاط و پویا
- ۵) امکان مشارکت تمام دانش‌آموزان در کنفرانس‌ها و فعالیت‌های کلاسی

- ۶) تقویت حس مسئولیت پذیری و اعتماد به نفس دانش آموز و درگیر شدن او در امر یادگیری
- ۷) ملموس شدن مفاهیم روان‌شناسی و کاربرد آن‌ها در زندگی روزمره
- ۸) افزایش مهارت‌های کمی و کیفی در آموزش و عملی شدن آموزش

همان‌طور که گفته شد حدوداً دو هفته از مهر ماه ۱۴۰۲ گذشته بود که بنده شروع به روش تدریس معکوس نمودم. از همان ابتدای کار اکثر دانش‌آموزان با این شیوه تدریس جدید همراه شدند و جهت ارائه کنفرانس، ساخت روزنامه دیواری، نوشتن کتابچه روان‌شناسی و ... با ذوق و شوق خاصی من را همراهی کردند. والدین دانش‌آموزان نیز به مرور از این روش استقبال کردند و اظهار داشتند دانش‌آموزان در خانه فیلم‌های تدریس را نگاه می‌کنند، به ویس‌ها گوش می‌دهند، درسنامه‌ها را در خانه مطالعه و مرور می‌کنند.

اعتبار سنجی

در این مرحله از پژوهش برای بررسی نتایج استفاده از رویکرد کلاس معکوس و رصد نتایج آن در جهت تقویت و کارایی از شاخص‌های زیر استفاده نمودم:

- ۱) نظر سنجی از همکاران درباره تغییرات به وجود آمده در موارد زیر پس از اجرای روش:

الف) میزان استقبال دانش‌آموزان از روش

ب) میزان تاثیر در یادگیری دانش‌آموزان

ج) میزان افزایش اشتیاق تحصیلی و خودآموزی در دانش‌آموزان

د) میزان ایجاد انگیزه برای شرکت در کلاس روان‌شناسی در دانش‌آموزان

تاثیر اجرای طرح بر دانش‌آموزان:

الف) علاقه دانش‌آموزان برای یادگیری معکوس سبب فعالیت کلاسی بسیار اکثر دانش‌آموزان شد.

ب) کلاس روان‌شناسی از حالت کلاسی خشک به کلاسی خلاق، پویا و با نشاط تبدیل شد.

ج) توانایی و استعدادهایی نظیر اجرا و ارائه مطالب کتاب توسط دانش‌آموزان یا ارائه کنفرانس، ساخت روزنامه دیواری، نوشتن کتابچه روان‌شناسی که شامل خلاصه نویسی درس‌ها، حل فعالیت‌ها و ... در دانش‌آموزان شناسایی و تقویت شد.

د) تامل و تعامل دانش‌آموزان با یکدیگر افزایش یافت و آموختن و یادگیری فزاینده از همسالان نیز محقق شد.

تاثیر اجرای طرح بر والدین:

الف) با اجرای این طرح والدین شاهد انگیزه و اشتیاق تحصیلی دانش‌آموزان برای شرکت در کلاس روان‌شناسی بودند و تا حد زیادی نگرانی‌های والدین از جهت بی‌انگیزگی دانش‌آموزان برای یادگیری روان‌شناسی از بین رفت.

ب) حمایت تحصیلی والدین در خانه نیز بین والدین و دانش‌آموزان ادامه یافت و همین فرایند علاوه بر مرور و تکرار درس موجب ایجاد فضای صمیمی‌تر در خانه گردید.

ج) توانایی‌ها و استعدادهایی نظیر ارائه برای دیگران، خلاقیت در ساخت روزنامه دیواری، نوشتن کتابچه روان‌شناسی و ... در دانش‌آموزان شناسایی و تقویت شد.

د) با گزارش‌هایی که دانش‌آموزان از نحوه تدریس در خانه بیان می‌کردند، والدین نیز در جریان مباحث آموزشی قرار گرفته و عنوان کردند که کاربرد مفاهیم روان‌شناسی برای ما اکنون ملموس‌تر شده است.

نتایج حاصل از این اقدام پژوهی

- ۱) این پژوهش فرصتی برای اندیشیدن به مسئله یادگیری عمیق‌تر دانش‌آموزان در درس روان‌شناسی پدید آورد.

- ۲) کوشش‌های اساسی در زمینه تبدیل فضای کلاس روان‌شناسی به کلاس دانش‌آموز محور، خلاق، پویا و شاد صورت گرفت.
- ۳) گام‌های موثری در جهت مفهومی‌سازی، کاربردی‌سازی و درک عمیق مباحث و مطالب روان‌شناسی برداشته و مسئله و مشکل ضعف یادگیری تا حد زیادی بهبود پیدا کرد.
- ۴) فضای رقابتی سالم بین دانش‌آموزان شکل گرفت و تلاش جهت یادگیری فزاینده و یادگیری عمیق‌تر از همسالان بین دانش‌آموزان افزایش یافت.
- ۵) با افزایش اعتماد به نفس و اشتیاق تحصیلی و معلومات دانش‌آموزان، شور و اشتیاق آن‌ها برای ارائه کنفرانس، تهیه کتابچه روان‌شناسی و تدریس خلاقانه تقویت شد.
- ۶) میدانی فراهم شد که با اشتراک‌گذاری تجارب واقعی و تحقیقی خود با دانش‌آموزان در صدد تعامل و ارتباط موثر و صمیمی با دانش‌آموزان و در نتیجه موجب فعالیت آن‌ها و اثر بخشی درس روان‌شناسی باشیم.
- ۷) قدرت تجزیه و تحلیل و استنباط در دانش‌آموزان تقویت شد.
- ۸) فرصت مشارکت و فعالیت در امر تدریس برای تمام دانش‌آموزان، حتی دانش‌آموزان ضعیف‌تر نیز فراهم گشت.
- ۹) این پژوهش فرصتی برای توانمندی تعامل، کار گروهی و تجزیه و تحلیل را در ما تقویت کرد.
- ۱۰) زمینه‌ای فراهم شد تا نگاه عمیق و متفاوتی نسبت به حرفه و توانمندی‌های خود داشته باشیم.

مشکلات و موانع موجود بر سر اجرای این طرح

- ۱) حجم زیاد مطالب کتاب درسی
- ۲) محدودیت زمانی زنگ‌های کلاسی و زمان آموزش
- ۳) فقدان برنامه‌های راهبردی و اعمال سلیقه‌های فردی در محیط آموزش و پرورش
- ۴) دشوار بودن هماهنگی با خانواده‌ها و معلمان.

تحلیل و نتیجه‌گیری:

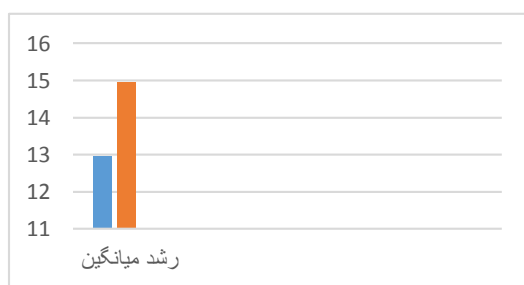
از یک طرف، عواملی مانند عدم تناسب حجم و محتوای کتاب آموزشی با ساعات آموزشی، تدریس معلم محور، خشک و خسته کننده بودن کلاس روان‌شناسی، عدم مشارکت دانش‌آموزان در امر تدریس، ارائه مفاهیم روان‌شناسی به صورت انتزاعی و بیان نکردن کاربرد این مفاهیم، غیر ملموس بودن مباحث کتاب روان‌شناسی و غیره. و از طرفی دیگر بی‌انگیزگی دانش‌آموزان، بی‌حوصلگی آن‌ها و غیره تاثیر نامطلوبی بر یادگیری آن‌ها داشت. بنابراین برای افزایش کیفیت آموزش و تحقق اهداف آموزشی لازم بود مسئله بی‌میلی و بی‌رغبتی دانش‌آموزان کاهش یابد و بازدهی کلاس افزایش یابد. با مقایسه شواهد ۱ و ۲ در این اقدام پژوهی به این نتیجه رسیدیم که علت اصلی مسئله بی‌انگیزگی دانش‌آموزان در کلاس روان‌شناسی، نحوه تدریس معلم محور، انتقال و تفهیم مطالب درسی به صورت یکنواخت، تاکید بیش از اندازه بر حفظ کردن مطالب و احساس ضعف و کمبود و اعتماد به نفس دانش‌آموزان است. حال با تنوع بخشی به رویکردهای مختلف یاددهی یادگیری سعی نمودم فرایند تدریس توسط دانش‌آموز در قالب یادگیری معکوس، ارائه کنفرانس، پرسش و پاسخ توسط خود دانش‌آموزان از همدیگر، هر دانش‌آموز یک مولف یعنی طرح هر دانش‌آموز یک کتابچه روان‌شناسی داشته باشد که مطالب آن توسط خود دانش‌آموز نوشته شده، ساخت روزنامه دیواری از مطالب و محتوای کتاب درسی و نصب آن در تابلوها که عملاً راهرو مدرسه هم تبدیل به محیط یادگیری شده بود و با همراهی معلم و تسهیل‌گری معلم انجام

شدند. با این تفاسیر سعی شد گام های موثری در جهت یادگیری فزاینده و اشتیاق تحصیلی دانش آموزان برداشته شود. بنابراین با طرح و معرفی رویکرد کلاس تدریس معکوس، زمینه مناسبی، برای پر رنگ شدن نقش دانش آموزان پایه یازدهم علوم انسانی دبیرستان طالقانی منطقه میمند، در فرایند یادگیری عمیق تر فراهم نمودم و در نتیجه این امر باعث شد بتوانم با سپردن قسمتی از مسئولیت یادگیری به دانش آموزان، باعث خودباوری و تقویت اعتماد به نفس آن ها بشوم. نتیجه این اقدام پژوهی، یادگیری فزاینده و اشتیاق تحصیلی دانش آموزان و اثربخشی درس روان شناسی آشکار شد.

جدول شماره ۱: (خلاصه ارزیابی طرح)

وضعیت مطلوب	وضعیت موجود
توجه به تمام ابعاد و کسب شایستگی در تمام ابعاد	توجه صرف به آموزش
تربیت مشارکتی و مسئولیت پذیری	تربیت انحصاری
نگاه یکپارچه نگر و تلفیقی	نگاه تجزیه ای و تفکیکی
دانش آموز فعال	دانش آموز منفعل
روش های خلاق و گروهی	روش های انعطاف ناپذیر و فردی
همکاری و رفاقت گروهی و تعالی بخش	رقابت های فردی
مهارت فرا شناختی	آموزش حافظه محوری

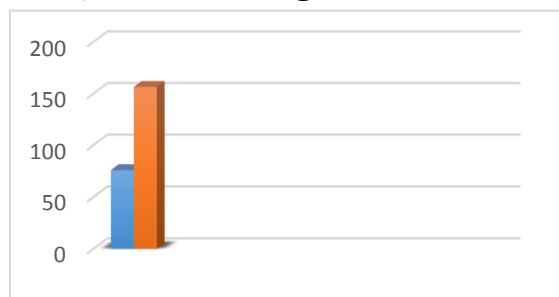
جدول و نمودار شماره ۲: مقایسه درصد قبولی و میانگین دروس در ضمن سال ۱۴۰۲-۱۴۰۱ نوبت اول با ضمن سال ۱۴۰۳-۱۴۰۲ نوبت اول پایه یازدهم رشته ادبیات و علوم انسانی در درس روان شناسی



عنوان ستون رشد میانگین رشد درصد

روان شناسی	۲	۸۰/۵۸
------------	---	-------

استوانه سمت راست مربوط به دوره فعلی و استوانه سمت چپ مربوط به دوره قبلی



جدول و نمودار شماره ۲ نشان می دهد که رشد میانگین در نوبت اول سال ۱۴۰۳-۱۴۰۲ نسبت به سال گذشته در درس روان شناسی ۲ نمره افزایش و رشد درصد هم ۸۰/۵۸ می باشد که این امر نشان از اثربخشی تدریس معکوس در میزان یاددهی و یادگیری دانش آموزان می باشد.

راهکارها و پیشنهادات:

- ✓ برگزاری کارگاه های مختلف جهت آشنایی معلمان با روش های متنوع آموزشی نوین و یادگیری فرا شناخت
- ✓ پرورش توانایی ذهنی دانش آموزان همانند تفکر، تجزیه و تحلیل

منابع:

- صابریان، معصومه؛ حاجی آقا جانی، سعید؛ غفاری، پروین و قربانی، راهب. (۱۳۸۶). فرهنگ کلاسی از دیدگاه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی سمنان، فصلنامه ایرانی آموزش در علوم پزشکی، ۷ (۱)، ۱۴۹-۱۴۳.
- صابریان، معصومه؛ و سالمی، صدیقه. (۱۳۸۳). چگونه طرح درس بنویسیم؟ تهران: انتشارات سالمی.
- طاهری، محمد رضا و منصور، لیلا. (۱۳۹۷). اثر بخشی آموزش خود کارآمدی بر عزت نفس و اشتیاق تحصیلی دانش آموزان دختر مبتلا به اضطراب امتحان، دومین کنفرانس دانش و فناوری روان شناسی، علوم تربیتی و جامعه شناسی ایران، تهران.
- عطاران، محمد؛ لرکیان، مریم؛ فاضلی، نعمت الله و علی عسکری، مجید. (۱۳۹۰). شناسایی فرهنگ برنامه درسی یادگیری الکترونیکی، یک مطالعه موردی در ایران، فصلنامه مطالعات برنامه درسی آموزش عالی، ۳ (۲)، ۴۱-۷.
- فرهمند، مریم. (۱۳۹۵). هنر معلم در کلاس معکوس. مجله رشد مدرسه فردا، ۱۳ (۱)، ۴-۶.
- کریمی دستگردی، علی. (۱۳۸۸). آموزش ابتدایی در شکل گیری مفاهیم ریاضی.
- میکائیلی، نیلوفر؛ افروز، غلامعلی و قلی زاده، لیلا. (۱۳۹۱). ارتباط خود پنداره و فرسودگی تحصیلی با عملکرد تحصیلی دانش آموزان، مجله روان شناسی مدرسه، ۴، ۱، ۹۰-۱۰۳.

- Bergmann, J., & Sams, A. (2012). How the flipped classroom is radically transforming learning. *The Daily Riff*, 2012, 1-3.
- Berrett, D. (2012). How 'flipping the classroom can improve the traditional lecture. *The chronicle of higher education*, 12(19), 1-3.
- Enfield, J. (2013). Looking at the impact of the flipped classroom model of instruction on undergraduate multimedia students at CSUN. *Tech Trends*, 57(6), 14-27.
- Evseeva, A., & Solozhenko, A. (2015). Use of flipped classroom technology in language learning. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 206, 205-209.
- Hughes, H. (2012). Introduction to flipping the college classroom. In *EdMedia Innovate Learning* (pp. 2434-2438). Association for the Advancement of Computing in Education (AACE).
- Johnson, G. B. (2013). Student perceptions of the flipped classroom. Doctoral dissertation, University of British Columbia.



4th International & 5th National Conference on New Findings in Management, Psychology and Accounting

۲۹ و ۳۰ آذر ۱۴۰۲
دانشگاه تهران

December 20th & 21th, 2023 | University of Tehran



- Linnenbrink, E. A. & Pintrich, P. R. (2003). Motivation as an enabler for academic success. *The School Psychology Review*, 31, 313–327.
- Martin, A. J. & Liem, G. A. D. (2010). Academic personal bests (PBs), engagement, and achievement: A cross-lagged panel analysis.
- Papadopoulos, Ch & Roman, A. (2010). Implementing an inverted classroom model in engineering statics: Initial results". *Proceedings of 2010 ASEE Annual Conference & Exposition*, Louisville, KY.
- Pintrich, P. R. (2003). A motivational science perspective on the role of student motivation in learning and teaching contexts. *Journal of Educational Psychology*, 95, 667–686.
- Vaughn, M. (2014). *The effectiveness of a flipped classroom approach unit on student knowledge, skill development, and perception of collegiate physical education*. Doctoral dissertation, Auburn University.